



نشریه علمی علم و تمدن در اسلام
سال چهارم / شماره شانزدهم / تابستان ۱۴۰۲

نقش پیمان‌های پیامبر اعظم (ص) در شکل‌گیری تمدن اسلامی

حسین عبدالمحمدی^۱ / محمدرضا ضیایی^۲

(۱۰۳-۸۶)

چکیده

پیامبر اعظم (ص) در طول دوران رسالت خویش، با دوراندیشی، پیمان‌های متعددی با گروه‌های سیاسی و اجتماعی فعال در حجاز امضا کردند. این پیمان‌ها که با اهل کتاب، مشرکان و مسلمانان بسته شد، نقش مهمی در تحولات سیاسی و اجتماعی صدر اسلام از جمله زمینه‌ی مهاجرت پیامبر اعظم (ص) و مسلمانان به مدینه، تشکیل حکومت اسلامی و شکل‌گیری تمدن اسلامی نقش اساسی داشته‌اند. این مقاله با گردآوری داده‌های کتابخانه‌ای و با روش توصیفی - تحلیلی پیمان‌های پیامبر (ص) را با رویکرد تمدن‌سازی مورد بررسی قرار داده است. حاصل پژوهش بیانگر این است که مؤلفه‌های تمدن اسلامی، مانند ایجاد امنیت پایدار، ترویج تعلیم و تربیت، ایجاد سازمان اداری و تشکیلات سیاسی، انسجام اجتماعی، ایثار و فداکاری، رواداری و تساهل و پذیرش تنوع دیدگاه‌ها و هم‌افزایی و همگرایی در پیمان‌های پیامبر وجود دارد. پاسداشت حقوق بشر در پیمان حلف الفضول، دعوت به توحید در پیمان عقبه اولی، زمینه‌سازی برای نظم اجتماعی و کار تشکیلاتی در پیمان عقبه دوم، ایجاد انسجام اجتماعی، تعیین قلمرو جغرافیایی، حاکمیت و ولایت سیاسی و امنیت پایدار در پیمان عمومی مدینه، برادری و اخوت در پیمان مؤاخات، تثبیت حاکمیت سیاسی در پیمان صلح حدیبیه تحقق یافته است.

واژه‌های کلیدی: پیامبر اعظم (ص)، عهد و پیمان، منشور مدینه، پیمان عقبه، مؤاخات، صلح حدیبیه و تمدن اسلامی.

۱. دانشیار گروه تاریخ اهل بیت علیهم السلام، مجتمع آموزش عالی تاریخ، سیره و تمدن اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه (ص)، قم، ایران. (نویسنده مسئول)
hoseinmohammadi31@yahoo.com

۲. دکتری تاریخ اسلام، پژوهشگر همکار پژوهشگاه بین‌المللی جامعه المصطفی العالمیه (ص).
rezaziae19@yahoo.com

مقدمه

پیمان‌نامه‌های پیامبر اعظم (ص) با گروه‌های سیاسی و اجتماعی فعال در حجاز بخش مهمی از تحولات تاریخ صدر اسلام از جمله زمینه‌ی مهاجرت پیامبر اعظم (ص) و مسلمانان به مدینه و تشکیل حکومت اسلامی در عصر نبوی را بوجود آورده است. مطالعه دقیق در خصوص این پیمان‌نامه‌ها و جایگاه تمدنی آنان، ضرورت این مسئله را نشان می‌دهد. از این رو، پژوهش پیش رو با روش تحلیلی توصیفی، پیمان-نامه‌های پیامبر اعظم (ص) با قبیله‌ها و گروه‌های گوناگون را مورد بررسی قرار داده تا ضمن شناسایی این پیمان‌نامه‌ها، نقش آن، در زمینه‌سازی و شکل‌گیری تمدن اسلامی روشن گردد.

در باره پیشینه تحقیق یاد آور می‌شویم که با توجه به جستجویی که در این باره صورت گرفت کتاب یا مقاله‌ای که پیمان‌های حضرت رسول (ص) را با این رویکرد بررسی کرده باشد یافت نشد. هرچند در باره صلح پیامبر (ص) که پیمان‌نامه‌های آن حضرت را نیز دربر می‌گیرد، تحقیقاتی صورت گرفته است؛ مانند «بررسی تاریخی صلح‌های پیامبر (ص)» نگارش حامد متظری مقدم. تمرکز کتاب مذکور، بر صلح حدیبیه است، اما صلح‌های قبل و بعد از آن را نیز به بررسی گرفته است. در این کتاب اولاً به صلح‌های پیامبر (ص) غیر از صلح حدیبیه به صورت خلاصه اشاره و صرفاً گزارش شده است؛ ثانیاً با رویکرد تمدنی به تحلیل گرفته نشده است. چنانکه مقاله‌ی از همین نویسنده با عنوان «صلح و آشتی در عصر پیامبر اکرم (ص)» در مجله معرفت چاپ شده است که صرفاً به صلح‌های پیامبر اشاره دارد و از تحلیل تمدنی خالی است. همچنین مقاله دیگری از همین نویسنده با عنوان «صلح و جنگ در سیره پیامبر (ص)» منتشر شده و گزارشی از صلح‌های پیامبر (ص) ارائه داده، اما به مباحث تمدنی این صلح‌ها پرداخته است. در باره پیمان‌نامه‌های پیامبر (ص) نیز کتاب و مقاله نگاشته شده است که با رویکرد تمدنی نیست. از باب نمونه کتاب «نامه‌ها و پیمان‌های سیاسی حضرت محمد (ص) و اسناد صدر اسلام» ترجمه کتاب «مجموعه الوثائق السياسية للعهد النبوی»، نگارش محمد حمیدالله که شامل نامه‌ها، پیمان نامه‌ها، بیعت نامه‌ها و امان نامه‌های پیامبر اعظم (ص) پیش و پس از هجرت می‌شود، هرچند به پیمان‌نامه‌های پیامبر (ص) پرداخته، اما نقش آن را در ایجاد و شکل‌گیری تمدن اسلامی بررسی نکرده است. چنانکه مقالاتی مانند؛ «پیمان‌های حضرت محمد (ص)» و «پیمان نامه مدینه، نمونه‌ای تاریخی در زمینه حل اختلاف»، هیچکدام از این مقالات پیمان‌نامه‌های پیامبر (ص) را از جهت تمدنی بررسی نکرده است. اما مقاله حاضر با در نظر داشت متن پیمان‌نامه‌های پیامبر (ص) با

گروه‌های سیاسی اجتماعی، نقش آنان را در ایجاد و شکل‌گیری تمدن اسلامی بررسی و تحلیل کرده است.

مفهوم شناسی

در بیشتر معانی لغوی کلمه تمدن، معنای شهرنشینی نهفته است و بین این دو کلمه ارتباط مفهومی برقرار است. بر این اساس، می‌توان گفت: خاستگاه شکل‌گیری اکثر تمدن‌ها شهر باشد، اما باید توجه داشت که تمدن صرفاً شهر نیست، بلکه این انسان متمدن است که وارد شهرنشینی شده است. از این رو برخی از محققان معتقدند رابطه بین تمدن و شهر رابطه جزء و کل است، نه ظرف و مظهر (کاشفی، ۱۳۸۹: ۳۴). چنانکه برخی محققان معتقدند واژه «Civilization» از مدینه به معنای شهر ریشه می‌گیرد، ولی شهر در اصل معلول تمدن بوده است نه علت آن؛ یعنی در واقع شهر جزء تمدن است (برنال، ۱۳۵۴: ۸۶).

از منظر ابن‌خلدون اگر جامعه‌ای ایجاد حاکمیت نماید، نظم را در جامعه به وجود بیاورد و نظم‌پذیر شود، دارای تشکیلات، مناصب و پایگاه‌های حکومتی گردد و تلاش کند بر حفظ نظم و پایداری آن نظارت نماید و از زندگی فردی به سوی زندگی شهری و شهرنشینی در حرکت باشد و باعث رشد فضایل و ملکات نفسانی، چون علم و هنر گردد، حائز «مدنیت» است و می‌توان به آن جامعه، جامعه‌ی متمدن اطلاق کرد. (ابن‌خلدون، ۱۳۸۸، ج ۱: ۷۷-۷۵) بنابراین، اگر در جامعه‌ی حکومت و تشکیلات وجود داشته باشد که نظم را در جامعه به وجود آورده سبب رشد فضایل انسانی و ملکات نفسانی گردد و علم و هنر را شکوفا نماید، آن جامعه‌ی دارای تمدن است. در برخی پیمان‌نامه‌های پیامبر (ص) به این شاخصه‌ها تصریح شده است.

چنانکه در باره تمدن اسلامی گفته شده است: تمدن اسلامی با اساس نگرش توحیدی، تمدنی است ایدئولوژیک با مجموعه‌ای از ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی و مادی جامعه اسلامی که انسان را به سوی کمال معنوی و مادی سوق می‌دهد. (جان احمدی، ۱۳۹۲: ۵۲)

بنابراین، مراد از تمدن اسلامی، تمدنی است که بر اساس قوانین اسلام ساخته شده است. توضیح مطلب اینکه اسلام به عنوان مجموعه مقررات آسمانی راه رستگاری دنیا و آخرت را به بشر نشان داده و چگونگی درست زیستن و سعادت‌مندانانه زندگی کردن را به او آموخته است. اسلام در عصر نبوی امتحان خودش را در رشد و تعالی جامعه بشری و ایجاد بسترهای مناسب برای همگرایی و انسجام اجتماعی،

ایشان و فداکاری، نظم اجتماعی، رواداری و تساهل و پذیرش تنوع دیدگاه‌ها داده است. و در مدت کوتاهی جامعه بدوی حجاز را از انحطاطات نجات داده است. (ر.ک: عبدالمحمّدی، ۱۳۸۹: ۴۴۵-۴۰؛ ضیایی، ۱۴۰۱: ۷۵-۶۲)

مؤلفه‌های تمدن ساز در پیمان‌های پیامبر (ص)

پیامبر اعظم (ص) در طول دوران رسالت خویش، با درایت و دوراندیشی پیمان‌نامه‌های گوناگونی با گروه‌های مختلف منعقد کردند که فصل مهمی از تاریخ صدر اسلام را به خود اختصاص داده است. و با این پیمان‌نامه‌ها زمینه‌های پیدایش و شکل‌گیری تمدن را فراهم آورده است.

پاسداشت حقوق بشر در پیمان حلف الفضول

نخستین پیمانی که پیامبر اعظم (ص) در آن شرکت نمود، پیمان جوانمردان یا حلف الفضول است. این پیمان در زمان جوانی پیامبر و در حدود پانزده سال قبل از بعثت منعقد گردید. (ابن سعد، ۱۴۱۰ ق، ج ۱: ۱۰۳) این پیمان‌نامه که بر اساس دفاع از حق مظلوم، جلوگیری از ظلم و ستم به هر مظلومی تدوین شده بود، رسول خدا در آن شرکت کرد (ابن بکار، ۱۴۱۹ ق، ۲: ۶۴۹). چنانکه خودشان فرمودند: «در خانه عبد اللّه بن جُدعان شاهد پیمانی بودم که اگر اکنون نیز مرا برای انجام مفاد آن بخوانند اجابت می‌کنم و به آن وفادار خواهم بود». (مُصعَب، ۱۹۹۹ م: ۲۹۱؛ ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۷: ۱۸۵) این پیمان در زمانی بسته شد که عصبیت جاهلی سراسر سرزمین حجاز را فرا گرفته بود. و هر کس خود را موظف می‌دید از قبیله و قوم خود دفاع کند. و فرهنگ جاهلی بر آن جامعه حکم فرما بود. چنانکه در آیات قرآن کریم به آن اشاره شده است (ر.ک: انعام: ۱۰۰؛ صافات: ۱۵۸؛ سبأ: ۴۱؛ مائده: ۹۰)

پیمان حلف الفضول از آن جهت که موضوع آن انسان بماهو انسان بود و هیچ یک از امتیازات دینی، قومی، نژادی و زبانی در آن دخالت نداشت و تأمین کننده حقوق بشر به حساب می‌آمد اهمیت بسزایی در ایجاد جامعه سالم داشت. در این پیمان‌نامه، همه‌ی افراد بشر بدون کمترین تفاوتی مورد حمایت قرار گرفته بود.^۱

۱. «فتعاقدوا و تعاقدوا علی أن لا یجدوا بمکة مظلوما من أهلها و غیرهم ممن دخلها من سائر الناس إلا قاموا معه». السیرة النبویة (لابن هشام)، ج ۱، ص: ۱۳۳-۱۳۴.

دعوت به توحید و ترویج دانش در پیمان عقبه اول

یکی از مؤلفه‌های مهم تمدن اسلامی اعتقاد خردمندانه به مبدأ و معاد است. زیرا اعتقاد به آفریدگار حکیم و عادل و باور به روز رستاخیز و مسئولیت انسان در برابر رفتار و گفتار خود پایه و اساس همه تحولات فردی و اجتماعی است. و این مهم در پیمان‌نامه عقبه اولی مورد توجه رسول خدا قرار گرفت. بلکه مراد از باور به خداوند منان، باور به حاکمیت اراده خداوند در تمام عرصه‌های زندگی و دوری از شرک به خدا است که از آن به توحید افعالی تعبیر می‌شود. در این پیمان‌نامه آمده است: «بایعنا رسول الله صلی الله علیه و سلم لیلۃ العقبۃ الأولى علی أن لا نشرک بالله شیئا»، (ابن هشام، بی تا، ج ۱: ۴۳۴) بنابراین، خدامحوری با این ویژگی یکی از زیرساخت‌های تمدن اسلامی است.

نقش علم و دانش در زمینه سازی جامعه سالم و در پیدایی و پویایی تمدن بسیار برجسته است. از این رو، تعلیم و تعلم مخصوصاً یادگیری قرآن کریم بعد از بعثت پیامبر اعظم (ص) مورد توجه مسلمانان قرار گرفت. در حدیثی از پیامبر اعظم (ص) نقل شده است: «خَيْرُكُمْ، أَوْ أَفْضَلُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ» (ترمذی، ۱۳۹۵ ق، ج ۵: ۱۷۴)؛ بهترین شما کسی است که قرآن را یاد بگیرد و آن را یاد بدهد. پیامبر اعظم (ص) با نمایندگان اوس و خزرج پیمانی منعقد کرد که یکی از مفاد آن فرستادن مبلغ و معلم قرآن به شهر یثرب بود. مُصْعَبِ بْنِ عُمَيْرِ جوان فرهیخته از طرف پیامبر به مدینه رفت تا به مسلمانان مدینه قرآن کریم را تا آنجایی که نازل شده بود آموزش دهد. (ابن هشام، بی تا، ج ۱: ۴۳۶؛ عسقلانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱: ۲۰۸؛ کلاعی، ۱۴۲۰ ق، ج ۱: ۲۵۸-۲۵۹) افزون بر آموزش قرآن کریم، یکی دیگر از مفاد پیمان‌نامه عقبه اول، آموزش احکام دینی بود. (ابن هشام، بی تا، ج ۱: ۴۳۶؛ زرکلی، ۱۹۸۹ م، ج ۶: ۲۱۸) بنابراین، پیمان‌نامه عقبه اول که تعلیم و فراگیری قرآن کریم و احکام دینی را در پی داشت، در زمینه سازی تمدن نقش آفرین بود.

زمینه سازی برای برقراری نظم اجتماعی و کار تشکیلاتی در پیمان عقبه دوم

سازمان و تشکیلات، اساس تمدن را تشکیل می‌دهد. برخی تمدن را به تشکل هماهنگ انسان‌ها در حیات معقول با روابط عادلانه و اشتراک همه افراد و گروه‌های جامعه در پیشبرد اهداف مادی و معنوی انسان‌ها در همه‌ی ابعاد تعریف کرده است. (جعفری، ۱۳۵۹، ج ۵: ۱۶۱) زمینه این مهم در پیمان‌نامه عقبه دوم یک سال بعد از عقبه اول یعنی در سال سیزدهم بعثت بوجود آمد. در این پیمان هفتاد و سه نفر (۷۱ نفر مرد و ۲ نفر زن) با پیامبر بیعت نمودند و حضرت دوازده نماینده از آنان تعیین فرمود.

(مقریزی، ۱۴۲۰ ق، ج ۱: ۵۲؛ ذهبی، ۱۴۱۳ ق، ج ۱: ۸-۲۹۷؛ دیار بکری، بی تا، ج ۱: ۳۱۷-۳۱۸) این پیمان برکاتی داشت که مرور می‌کنیم که مهم‌ترین آنها ایجاد نهاد نقابت بود.

انتخاب نقبای دوازده‌گانه توسط پیامبر اعظم (ص) و فرستادن آنان به مدینه، نخستین کار تشکیلاتی پیامبر اعظم (ص) به حساب می‌آید که اساس تمدن اسلامی را بنیان گذاشت. «نقیب» به کسی اطلاق می‌شود که گروه معینی را سرپرستی کند. (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ج ۵: ۱۷۹؛ ازهری، ۱۴۲۱ ق، ج ۹: ۱۵۹) به زبان فارسی نیز به همین معنا به کار رفته است (انوری، ۱۳۸۱، ج ۸: ۷۹۳۵).^۱ پس از انجام بیعت در عقبه دوم و انعقاد پیمان‌نامه میان پیامبر (ص) و نمایندگان مردم مدینه، پیامبر (ص) دوازده نفر از آن‌ها را به عنوان نقیب که متکفل امور اداری و سیاسی مسلمانان مدینه کردند، انتخاب نمود. نه تن از این نقباء از قبیله خزرج و سه نفر از اوس بودند. (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱: ۲۴۰) بنابراین، نقباء به عنوان یک سازمان و تشکیلات سیاسی - اجتماعی که اداره امور بخش‌های مختلف مدینه و قبایل را به عهده داشتند. این تشکیلات یکی از مفاد و بندهای پیمان‌نامه عقبه دوم بود که پیامبر اعظم (ص) با نمایندگان دو گروه اوس و خزرج منعقد کرد. بنابراین می‌توان گفت پیمان عقبه دوم نقش مهمی در زمینه سازی پیدایش تمدن اسلامی داشته است.

نقباء به عنوان مسئول از جانب رسول خدا (ص) وظیفه و مسئولیت اداری، سیاسی، فرهنگی، تبلیغ و نشر معارف اسلام را در مدینه به عهده داشتند و زمینه را برای حضور و هجرت پیامبر اعظم (ص) برای ایجاد یک حکومت و تشکیلات اداری گسترده، به مدینه فراهم می‌کردند (ابن هشام بی تا، ج ۱: ۴۴۶-۴۴۳؛ سعیدی، ۱۳۸۲: ۱۷۸؛ صالحی، ۱۳۸۱: ۸۳). این نشان می‌دهد که نقباء به عنوان یک تشکیلات و سازمان هدفمند، از طرف پیامبر اعظم (ص) انتخاب و به یثرب فرستاده شده است.

این نقیبان، شهر یثرب (مدینه) را به چندین بخش یا ناحیه تقسیم کردند و هر کدام مسئولیت یک بخش را به عهده گرفتند که نشان از کار تشکیلاتی و سازمانی این گروه است. کار تشکیلاتی نیز از معیارها و شاخصه‌های تمدن شمرده می‌شود. بر اساس گزاره‌های تاریخی نخستین گروه سیاسی - فرهنگی نظام‌مند که در آستانه‌ی مهاجرت پیامبر اعظم (ص) و به دستور آن حضرت، بعد از پیمان عقبه دوم به مدینه فرستاده شد، همین گروه دوازده نفری بودند که از جانب رسول خدا مسئولیت داده شد، اداره و هدایت

۱. قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: أخرجوا إليّ منكم اثني عشر نقيبا، ليكونوا علي قومهم بما فيهم، فأخرجوا منهم اثني عشر نقيبا، تسعة من الخزرج، و ثلاثة من الأوس... أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال للنقباء: أتمم علي قومكم بما فيهم كفلاء، ككفالة الحوارين لعيسى ابن مريم، وأنا كفيل علي قومي - يعني المسلمين السيرة النبوية (لابن هشام)، ج ۱، ص ۴۴۳ و ۴۴۶.

قبیله خویش را به عهده گیرند. (ابن هشام، بی‌تا، ج ۴۴۶: ۱؛ طبری، ۱۳۸۷، ج ۳: ۳۶۳؛ ابن کثیر الدمشقی، ۱۴۰۷ ق، ج ۳: ۱۶۲) براساس این هدایت و رهبری پیامبر (ص)، شهر مدینه به چندین بخش و یا ناحیه تقسیم گردید که هرکدام از این نقیبان مسئولیت اداره ناحیه و منطقه خویش را به عهده داشتند. (بلاذری، ۱۴۱۷ ق، ج ۱: ۲۴۳؛ کرمی، ۱۴۲۷ ق: ۷۲؛ حمیدالله، ۱۴۰۷ ق: ۵۰-۴۸)

براساس مفاد پیمان نامه عقبه دوم، نقابت دارای ساختار تشکیلاتی و سازمانی بود که سلسله مراتب نیز در آن حفظ شده بود. مجموع افراد این تشکیلات و شورای نظام سیاسی را، بعد از تشکیل حکومت اسلامی توسط پیامبر اعظم (ص) در مدینه، ۴۹ نفر تشکیل می‌دادند؛ زیرا سازمان نقابت بعد از هجرت پیامبر اعظم (ص) به مدینه نیز ادامه یافت. هر نقیب که به عنوان رئیس یک بخش بود، سه نفر عریف و نایب رئیس داشتند؛^۱ که بر امور سیاسی - اجتماعی، مالی و اطلاعاتی رسیدگی می‌کردند. (عسقلانی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۶۱۷؛ عسقلانی، ۱۴۱۵، ج ۲: ۳۶۳؛ کتانی، بی تا، ج ۱: ۲۰۶) یک نفر به عنوان نقیب - النقباء نیز بر آنان نظارت داشت و شخص پیامبر اعظم (ص) که رئیس و بنیان‌گذار این حکومت بود، در رأس قرار داشتند و همه مسائل سیاسی - اجتماعی و فرهنگی - اقتصادی با تصمیم‌گیری آن حضرت انجام می‌گردید.^۲ چنانکه حضرت بعد از فوت اسعد بن زراره که سمت نقیب النقبائی را به عهده داشت، خود را نقیب النقباء معرفی کرده است. (بلاذری، ۱۴۱۷ ق، ج ۱: ۲۴۳؛ ثقفی، ۱۳۷۶: ۹۱) بر این اساس، شخصی به عنوان نقیب النقباء ناظر بر کارهای نقیبان بوده است و هرکدام از این نقیب‌ها نیز چندین نایب رئیس داشتند که از آن با عنوان عریف یاد می‌شد.

پیمان عمومی مدینه

پیمان نامه عمومی مدینه یکی از مهم‌ترین راهبردهایی است که رسول خدا (ص) برای تحقق همگرایی اجتماعی و از بین بردن تعصبات نابجای حزبی و قبیله‌ای در سال نخست هجرت میان مسلمانان، یهودیان و مشرکان یثرب منعقد نمود. این پیمان نامه برکات بسیاری برای مسلمانان داشت و یکی از عوامل مهم زمینه ساز در شکل‌گیری تمدن اسلامی به حساب می‌آید.

۱. «عریف» بر وزن «عظیم» در لغت به معنای دانا و شناسنده و عالم به چیزی و کسی است که یاران خود را می‌شناسد و جمع آن «عرفاء» است. «عریف» کسی است که قیم امور قبیله و گروهی از مردم است و تدبیر امور و مسئولیت اداره کارهای ایشان را به عهده دارد و در وقت لزوم گزارش کارهای آنان را به مسئول ما فوق خود می‌دهد. چنین کسی را بدین سبب «عریف» نامیدند که عارف به احوال قوم خویش است و کارهای آنان را شناسایی می‌کند و مسائل و مشکلات ایشان را می‌داند تا در وقت نیاز به مافوق خود برساند.

ر.ک: دلشاد تهرانی، مصطفی، سیره نبوی «منطق عملی»، تهران، دریا، چاپ دوم، ۱۳۸۵ ش، ج ۳، ص ۳۸۰.

۲. أسعد الخیر بن زرارۃ... و کان نقیب النقباء. فقالت بنو النجار: مات نقیبنا یا رسول الله. فقالت صلی الله علیه و سلم: «أنا نقیبکم» انساب الأشراف، ج ۱، ص: ۲۴۳.

۱. ایجاد انسجام اجتماعی

در اولین ماده این پیمان‌نامه، تمام مسلمانان، امت واحده توصیف شده و در ماده دیگر آن، همه مؤمنان دارای سرنوشت مشترک و تک تک ایشان در جنگ و صلح شریک هم دانسته شده‌اند. محور وحدت و اتحاد در این پیمان‌نامه، خداوند متعال و رسول گرامی اسلام است که در صورت بروز اختلاف و تفرقه میان مسلمانان، باید به خدا و رسولش مراجعه شود. در جامعه‌ای که دولت نبوی بر آن حاکم است، مجموعه‌های غیرمسلمان نیز می‌توانند با امت اسلامی وحدت و همگرایی داشته باشند و از زندگی مسالمت‌آمیز بهره‌مند شوند. در پیمان‌نامه مدینه آمده است که یهودیان نیز می‌توانند با حفظ عقاید و آیین‌های دینی خود، همانند مسلمانان عضو جامعه بوده و از امنیت و آزادی برخوردار باشند.^۱ و این پیمان زمینه را برای انسجام اجتماعی (که از مهم‌ترین مؤلفه‌های تمدن است) ایجاد کرد.

توضیح مطلب اینکه پیامبر اعظم (ص) بعد از حضور در مدینه منوره پیمان‌نامه‌هایی با گروه‌های مختلف نوشتند.^۲ نخستین جلوه آن در سال اول هجرت به مدینه، تحقق پیدا کرد که از آن به منشور مدینه یا قانون اساسی حکومت پیامبر اعظم (ص) تعبیر شده است. (ر.ک: ابن هشام، بی‌تا، ج ۱: ۵۰۴؛ کلاعی، ۱۴۲۰ ق، ج ۱: ۲۹۶؛ عامری، بی‌تا، ج ۱: ۱۶۸) این منشور، نخستین پیمان دینی در اسلام به حساب می‌آید که توسط پیامبر اعظم (ص) میان ساکنین مدینه نوشته شده است. چنان‌که مستشرق سوئسی «مارسل بوازار» آن را اولین معاهده بین‌المللی امنیت دسته‌جمعی معرفی کرده است (مارسل، ۱۳۵۸: ۳۰). از این رو، این منشور از اقدامات تمدن‌ساز پیامبر اعظم (ص) به حساب می‌آید. یکی از محققان این منشور پیامبر (ص) را توجه ویژه به حقوق اقلیت‌ها در سرزمین عربستان توصیف نموده و معتقد است: پیامبر (ص) در این منشور که حدود ۵۲ ماده داشت، به نحوی عالمانه حقوق اقلیت‌های سرزمین عربستان مانند یهودیان و مسیحیان را مشخص نموده است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۳: ۴۸۳). این پیمان در ابتدای حضور پیامبر (ص) در مدینه میان ساکنین مدینه مخصوصاً یهودیان و مسلمانان منعقد شد (ابن هشام بی‌تا، ج ۱: ۵۰۴-۵۰۱؛ حسینی، ۱۳۸۲: ۲۳۲).

این «پیمان عمومی که میان عموم ساکنان مدینه که شامل مسلمانان، یهودیان و مشرکان می‌شود، امضا شد، اولین گام ساختاری دولت اسلامی پیامبر (ص) و تأسیس نظم سیاسی بر اساس وحی از جانب

۱. ابن هشام، السیرة النبویة، ج ۱، ص: ۵۰۱-۵۰۴.

۲. کتب رسول الله صلی الله علیه و سلم کتابا بین المهاجرین و الأنصار، وادع فیه یهود و عاهدتم، و آقرهم علی دینهم و أموالهم، و شرط لهم، و اشترط علیهم... السیرة النبویة (لابن هشام)، ج ۱، ص: ۵۰۱.

خداوند متعال به حساب می‌آید که شاکله تمدن اسلامی را پایه گذاری کرد. در این پیمان‌نامه به مؤلفه‌های تمدن‌ساز اشاره شده و محور معاهده قرار گرفته است.

در دولت اسلامی پیامبراعظم (ص) ملاک و معیار جامعه‌پذیری اسلام و قلمرو دولت آن حضرت را زبان و نژاد تشکیل نمی‌دهد، به همین جهت، آن حضرت تمام مردم مدینه از هر گروه و قبیله را در یک مرکز همگانی و دینی؛ یعنی مسجد فراخوانده و آنانرا مورد خطاب قرار داده است. چنانکه در دومین بند پیمان‌نامه آمده است: «أنهم أمة واحدة من دون الناس»؛ آنان یعنی اهل مدینه در برابر دیگران، یک امت و یک ملت‌اند». (ابن هشام، بی‌تا، ج ۱: ۵۰۲؛ کلاعی، ۱۴۲۰ ق، ج ۱: ۲۹۶؛ احمدی میانجی، ۱۴۱۹ ق، ج ۳: ۶) در قرآن کریم و روایات پیامبراعظم (ص) به تشکیل امت واحده تأکید شده است. بر اساس آیه ۹۲ سوره‌ی انبیاء و ۵۳ سوره مؤمنون از مسلمانان تحت عنوان امت واحده نامبرده شده است: «همانا این امت شماسست، امت واحده، و من پروردگار شما هستم، پس مرا بپرستید» و آیه‌ی ۵۳ سوره‌ی مؤمنون که می‌فرماید: «همانا این امت شماسست، امت واحده و من پروردگار شما هستم، پس از من پروا داشته باشید.» در این آیات به جایگاه امت واحده و لزوم حرکت حکومت اسلامی به سمت تحقق امت واحده‌ی اسلامی توصیه شده است. پیامبراعظم (ص) در جهت همبستگی، ایجاد امت واحده و پرورش روح وحدت در بین جامعه سفارشات‌ی دارند. چنانکه فرمود: فرد مسلمان به دیگر مسلمانان آزار نمی‌رسانند. (دیلمی، ۱۴۱۲ ق، ج ۱: ۷۷-۷۶). به مشکلات همدیگر رسیده نموده فریادرس مظلومان و مستضعفانند. (ابن اشعث، بی‌تا: ۸۸) علاوه بر این موارد، ویژگی‌های دیگری نیز برای امت‌سازی و تشکیل امت واحده در گفتار پیامبراعظم (ص) وجود دارد. از این رو، حضرت در پیمان‌نامه‌ای که در مدینه با گروه‌های مختلف اهل مدینه نوشت، مسلمانان و یهود را تحت عنوان امت واحده اعلام فرمود: «وان یهود بنی عوف أمة مع المؤمنین، لليهود دینهم و للمسلمین دینهم». (ابن هشام، بی‌تا، ج ۱: ۵۰۳؛ ابن سیدالناس، ۱۴۱۴ ق، ج ۱: ۲۲۸) یهود بنی عوف با مؤمنان «یک امت» را تشکیل می‌دهند، البته با این تفاوت که یهود بر اساس دین خود و مسلمانان طبق دستور اسلام عمل می‌کنند. براین اساس، تشکیل امت واحده که اساس تمدن را تشکیل می‌دهد در این پیمان‌نامه مطرح شده است.

۲. تعیین قلمرو جغرافیایی

از نکات مهم و تمدن‌ساز در پیمان‌نامه پیامبراعظم (ص) با گروه‌های مختلف مدینه، توجه به سرزمین و محل اقامت مسلمانان است که باعث تعیین مرز جغرافیایی مدینه گردید؛ زیرا مهمترین عامل شکل‌گیری امت واحده، سرزمین و قلمرو مکانی است. اگر سرزمین نباشد و قلمرو مکانی وجود نداشته

باشد، بدیهی است که امت واحده شکل نمی‌گیرد و بستر شکل‌گیری تمدن نیز منتفی خواهد بود. به همین جهت پیامبر اعظم (ص) در این پیمان‌نامه، سرزمین مدینه را به عنوان مرکز حکومت اسلامی و حرم امن ساکنین مدینه انتخاب کردند. چنانکه در یکی از بندهای این پیمان‌نامه (منشور مدینه) آمده است: «و إن یثرب حرم جوفها لأهل هذه الصحيفة». (ابن هشام، بی‌تا، ج ۱: ۵۰۴؛ قاضی ابرقوه، ۱۳۷۷، ج ۱: ۴۸۴). شهر مدینه برای باورمندان به این پیمان‌نامه، حرم امن است. براساس این پیمان‌نامه، پیامبر اعظم (ص) شهر مدینه را برای همه ساکنان آن، سرزمین و حرم امن قرار داده است. با تعیین سرزمین، بستر ایجاد امت واحده آماده گردید و تمدن اسلامی شکل گرفت.

پیامبر اعظم (ص) حتی جغرافیای مدینه را نیز تعیین کردند.^۱ چنانکه از ابی‌جحیفه نقل شده است: به محضر امام علی (مشرف شدم. آن حضرت دستور داد شمشیرش را بیاورند و از غلاف شمشیر قطعه چرمی بیرون آورد و فرمود: پیامبر اعظم (ص) افزون بر قرآن کریم صحیفه دیگری نیز به جای گذاشته است. سپس بخشی از آن را خواند که چنین نوشته بود: بسم الله الرحمن الرحيم: «لِكُلِّ نَبِيٍّ حَرَمٌ وَ حَرَمِي الْمَدِينَةُ». (ابن حنبل شیبانی، ۱۴۱۶، ج ۳: ۲۸۷) هر پیامبری را حرمی است و حرم من، مدینه است. و نیز از کعب بن مالک روایت شده است که گفت: «پیامبر خدا (ص) مرا فرستاد تا بر بلندیهایی مخیض، الحیفا، ذوالعشیره و تیم که کوههای مدینه‌اند، نشانه گذارم». (سمهودی، ۲۰۰۶، ج ۱: ۸۱) براین اساس، تعیین سرزمین و قلمرو مکانی توسط پیامبر اعظم (ص) نقشی مهم در تشکیل امت واحده و پیدایش تمدن اسلامی داشته است؛ زیرا تمدن باید در سرزمینی صورت گیرد که دارای حکومت ساختارمند و سازمان‌یافته باشد.

۳. حاکمیت و ولایت سیاسی

افزون بر این که حکومت از مؤلفه‌های بنیادین و عامل اصلی ساخت تمدن است؛ پذیرش حاکمیت و ولایت از لوازم تشکیل امت واحده نیز به حساب می‌آید. حاکمیت پیامبر اعظم (ص) در مدینه که در پیمان‌نامه‌ی آن حضرت با گروه‌های مختلف مدینه بیان شده است،^۲ نمونه کامل حاکمیت است؛ زیرا

۱. «حرم رسول الله صلى الله عليه وسلم المدينة بريدة في بريد، و أرسلني فأعلمت على الحرم: على شرف ذات الجليس، و على مشيرب، و على أشرف المجتهر، و على تیم» و رواه ابن زبالة بهذا اللفظ، إلا أنه أسقط أشرف المجتهر، و أبدل تیم بثیب، و زاد «و على الحفيا و على ذي العشيرة»... «حمى الشجر ما بين المدينة إلى وعيرة، و إلى ثنية المحدث، و إلى أشرف مخيض، و إلى ثنية الحفيا، و إلى مضرب القبة، و إلى ذات الجيش: من الشجر أن يقطع، و أذن لهم في متاع الناضح أن يقطع من حمى المدينة» و فاء الوفاء بأخبار دار المصطفى، ج ۱، ص ۸۱.

۲. و إنكم مهما اختلفتم فيه من شيء، فإن مردّه إلى الله عزّ و جلّ، و إلى محمد صلى الله عليه وسلم، السيرة النبوية (لابن هشام)، ج ۱، ص: ۵۰۳.

هجرت پیامبر به مدینه و تشکیل حکومت اسلامی بر مبنای دین اسلام، تمدن اسلامی را بنیان نهاد. آن حضرت با ایجاد حاکمیت دینی که خود در رأس آن قرار داشت؛ سازمان‌های اجرایی و نهادهای اجتماعی را بنا نهاد و آموزه‌های وحیانی را در ابعاد مختلف فردی و اجتماعی اعم از سیاسی - اجتماعی، فرهنگی - اقتصادی و حتی دفاعی نهادینه ساخت و امت واحده را که از زیر ساخت‌های تمدن اسلامی به حساب می‌آید به وجود آورد.

از متن پیمان‌نامه عمومی و منشور مدینه به دست می‌آید؛ دامنه و قلمرو حکومت اسلامی در مدینه که توسط پیامبر اعظم (ص) بنیان گذاشته شد، بر مبنای پذیرش و اعتقاد به ولایت و حاکمیت اسلامی بوده که در رأس آن پیامبر اعظم (ص) قرار داشته است. بر این اساس، از جهت حقوقی و اجرایی نمودن قوانین اسلام، قلمرو حکومت اسلامی در عصر آن حضرت (ص) بر اساس پذیرش ولایت پیامبر اعظم (ص) و باور به حاکمیت اسلامی است، هرچند در دامنه جغرافیای دولت اسلامی قرار نداشته باشد. در یکی از بندهای این پیمان‌نامه آمده است:

«و انه ما كان بين أهل هذه الصحيفة من حدث أو اشتجار يخاف فساده فان مرده إلى الله و إلى محمد رسول الله و إن الله على أتقى ما في هذه الصحيفة و أبره». (ابن هشام، بی‌تا، ج ۱: ۵۰۴؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷ ق، ج ۳: ۲۲۵؛ ابن سیدالناس، ۱۴۱۴ ق، ج ۱: ۲۲۸)

هرگاه میان امضا کنندگان این پیمان، نزاع و مشاجره صورت گیرد یا مسأله‌ای پیش آید که خوف تباهی و ویرانی رود، مرجع حکم در مورد آن خدا و رسول خدا (ص) است. خداوند به هر کس که به این پیمان‌نامه عمل کند و پرهیزگار باشد، احاطه دارد. بنابراین، حاکمیت و ولایت از لوازم امت واحده و یکی از مؤلفه‌ها و اصول بنیادین تمدن به حساب می‌آید و در منشور مدینه، پیامبر اعظم (ص) به این مهم تصریح کرده‌اند.

۴. امنیت پایدار

در تشکیل امت واحده که خود از مؤلفه‌های تمدن اسلامی به حساب می‌آید، مجموعه‌ای از امور سیاسی - اجتماعی و فرهنگی - اقتصادی نقش محوری دارد. دوام و نقش آفرینی این امور وابسته به نظم و انضباط است، چنانچه نظم و وجود نداشته باشد هر یک از این امور به فساد کشیده خواهد شد، در نتیجه باعث پراکندگی امت واحده و نابودی و انحطاط جامعه خواهد گردید. از طرف دیگر هیچ نظمی بدون امنیت به وجود نخواهد آمد. هرگونه نظم و انتظام به ویژه در حوزه سیاست و اجتماع بر محوریت

وجود امنیت معنا پیدا می‌کند و بالندگی و آفرینندگی فرهنگی در سایه امنیت به وجود می‌آید و این‌گونه است که تمدن و مدنیت محقق می‌گردد.

پیمان‌نامه‌ای که توسط پیامبر اعظم (ص) میان انصار، مهاجرین و یهودیان مدینه بسته شد که از آن به منشور مدینه نیز تعبیر شده است، دارای نتایجی بسیار مهم بود که هر کدام نقشی مستقیم در ایجاد امت واحده اسلامی داشته است. یکی از اهداف و فلسفه این پیمان‌نامه، تأمین امنیت ساکنان مدینه بود. این پیمان‌نامه افزون بر تأمین حقوق گروه‌ها و نحله‌های مختلف که در مدینه ساکن بودند، باعث تأمین امنیت مردم مدینه نیز گردید و امنیت فردی و اجتماعی ساکنان مدینه را تأمین کرد.

در بندهای این پیمان‌نامه به نکاتی اشاره گردیده است که در بردارنده تأمین امنیت ساکنان مدینه است. از باب نمونه در یکی از بنده آمده است: «یهودیان با مؤمنان يك امت‌اند. در جایی دیگر آمده است: «همدیگر را علیه کسی که با پیروان این عهدنامه بستیزد و برخیزد، یاری نکنند». همچنین آمده است که «داخل شهر یثرب برای طرفداران این نوشته، منطقه‌ی امن و حرم محسوب است». در بند دیگری آمده است: «هر رویداد و اختلافی که میان پیروان این قرارداد اتفاق افتد و بیم تباهی رود، بازگشت آن به خدا و پیامبر اوست». (ر.ک: ابن هشام، بی‌تا، ج ۱: ۵۰۲؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷ ق، ج ۳: ۲۲۶-۲۲۴؛ خویی، ۱۴۰۰، ج ۲۰: ۲۵۶) چنانکه در پیمان پیامبر (ص) با بنی‌ضمیره بر امنیت تأکید شده است: «فإنهم آمنون علی أموالهم و أنفسهم». (سهیلی، ۱۴۱۲ ق، ج ۵: ۷۸) در تنظیم این صلحنامه تأمین امنیت به صورت مقوله دو سویه مورد نظر قرار گرفته است. بنابراین، تأمین امنیت از نکات مهم در پیمان‌نامه‌های پیامبر (ص)؛ است که در ساخت تمدن نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای دارد.

پیمان مؤاخات

یکی از دیگر اموری که در ایجاد تمدن اسلامی نقش مؤثری داشته است؛ پیمان اخوت است. این پیمان، افزون بر ایجاد الفت و رابطه صمیمانه میان مسلمانان، زمینه‌ی تشکیل امت اسلامی را فراهم کرد. از جنبه‌های تمدن‌سازی این پیمان، کمک‌های اقتصادی انصار به مهاجران است که از سرزمین خود به مدینه کوچیده بودند که این کمک‌ها در تحکیم روابط میان مسلمانان نقش مؤثری داشته است. (صالحی شامی، ۱۴۱۴، ج ۳: ۳۶۸؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷ ق، ج ۳: ۲۲۷) این پیمان از آن جهت که موجب توسعه‌ی بینش برابری و برادری میان مسلمانان بود توانست حریم‌های برتری طلبانه و اشرافیت‌خواهی را که در جامعه آن روز وجود داشت را از میان بردارد. از این رو، سیاه حبشی و سید قریشی در کنار هم گرد آمده

و باهم برادر و برابر شدند. پیمان اخوت عظمت اسلام را به نمایش گذاشت و لرزه بر اندام مشرکان قریش انداخت. در این پیمان زید بن حارثه برادر حمزه بن عبدالمطلب، سالم مولى خذیفه برادر ابو عبیده جراح و بلال حبشی در کنار عبیده بن حارث قرار گرفتند و با هم برادر شدند و مسلمانان را در هر طبقه که بودند در یک ردیف قرار داد. (ابن هشام، بی تا، ج ۱: ۵۰۵؛ سهیلی، ۱۴۱۲، ق، ج ۵: ۲۴۶-۲۴۴؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷، ق، ج ۳: ۲۲۷-۲۲۶). و در سایه چنین پیمانی زمینه انسجام اجتماعی که از مؤلفه‌های تمدن است پدید آمد.

تثبیت حاکمیت سیاسی در پیمان صلح حدیبیه

یکی از پیمان‌نامه‌های تأثیرگذار در تاریخ صدر اسلام صلح حدیبیه است. در این پیمان‌نامه مفادی وجود دارد که حاکمیت پیامبر اعظم (ص) توسط قریش به رسمیت شناخته شد و به نحوی تثبیت گردید. زیرا بر اساس این پیمان‌نامه بود که دو سال بعد، بیش از ده‌هزار مسلمان توانستند آزادانه وارد مکه شوند و به زیارت خانه خدا بروند. (طبری، ۱۳۸۷، ق، ج ۳: ۵۰ و ۶۵؛ مقدسی، بی تا، ج ۴: ۲۳۳؛ ذهبی، ۱۴۱۳، ق، ج ۲: ۵۳۷)

بعد از تثبیت حاکمیت پیامبر اعظم (ص) بود که نامه‌ها به امپراطوران بزرگ جهان آن روز مانند امپراطوری ایران و روم و دیگر کشورهای جهان فرستاده شد و امروزه بیش از ۱۸۰ مورد از نامه‌های آن حضرت توسط محققان جمع‌آوری گردیده است. (ر.ک: احمدی میانجی ۱۴۱۹، ق، ۳ جلد؛ حمید الله، ۱۳۷۷ ش). فرستادن نامه‌ها و سفیران اسلامی به کشورها و دعوت آنان به پذیرش اسلام، یک دستاورد مهم تمدنی به حساب می‌آید که در سایه پیمان‌نامه صلح حدیبیه به وجود آمد. بدین ترتیب، نامه‌نگاری-های پیامبر اعظم (ص) و دعوت سران کشورها و امپراطوران قدرتمند آن روز به اسلام، افق تازه‌ای را برای تمدن اسلامی باز کرد. از دستاوردهای تمدن‌ساز صلح حدیبیه می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: ۱- به رسمیت شناختن حکومت اسلامی از سوی مشرکان قریش؛ ۲- فزونی شمار مسلمانان و فراهم شدن زمینه فتح مکه؛ ۳- گسترش دامنه فعالیت‌های پیامبر (ص) در زمینه‌های تبلیغی، سیاسی و نظامی؛ ۴- پیوند با عرب در برپایی مراسم حج که هرکدام از این دستاوردها در ایجاد تمدن اسلامی نقش داشته‌اند. آن حضرت پس از صلح حدیبیه زمینه را برای ارتباط مسلمانان با حوزه‌های تمدنی ایران و روم و دیگر کشورها فراهم کرد. فرستادن نامه برای فرمانروایان این کشورها که برخی از آنها نیز متمدن بودند، اقدام مهمی بود که گامی برای پویایی تمدن نوپای اسلامی به حساب می‌آید.

نتیجه‌گیری

پیامبر اعظم (ص) بعد از بعثت، پیمان‌نامه‌های گوناگونی را با گروه‌های مختلف امضاء کردند. این پیمان‌ها که از سال دوازدهم بعثت با پیمان عقبه اولی آغاز گردیده است، کاربردها و نتایج فراوانی در پی داشته است. یکی از دستاوردهای این پیمان‌ها نقش آن در پیدایش و گسترش تمدن اسلامی بوده است. بعد از انعقاد این پیمان‌ها، پیامبر اعظم (ص) تشکیلات اداری و سازمان‌یافته‌ای را به وجود آوردند که هر یک از آن‌ها می‌تواند به نوعی از مؤلفه‌ها و شاخصه‌های تمدن اسلامی قرار گیرد. در حلف الفضول حقوق بشر مورد توجه قرار داشت. در پیمان عقبه اول خدا باوری و اصلاح اعتقادات که پایه و اساس هر گونه تحول بنیادین است و از پایه‌های تمدن به حساب می‌آید، مطرح بود. در پیمان عقبه دوم، انتخاب نخبه از طرف پیامبر (ص) صورت گرفت که تشکیلاتی دارای سلسله مراتب بود. در منشور مدینه نیز شاخصه‌های تمدنی مانند تشکیل امت واحده، تعیین قلمرو و سرزمین، حاکمیت و امنیت نهفته است. در صلح حدیبیه تثبیت حاکمیت و مشروعیت یافتن حکومت نبوی رخ داد و افق‌های جدیدی را برای شکل‌گیری تمدن اسلامی فراهم آمد. براین اساس، می‌توان گفت پیمان‌های رسول خدا با گروه‌های سیاسی و اجتماعی فعال در حجاز از پایه‌های اساسی شکل‌گیری تمدن اسلامی در عصر نبوی می‌باشد.

منابع

قرآن کریم

- ابن اشعث، محمد بن محمد، (بی تا)، الجعفریات (الأشعثیات) تهران، مکتبه النینوی الحدیثه.
- ابن حجر العسقلانی، احمد بن علی، (۱۴۱۵ ق)، الإصابه فی تمییز الصحابه، تحقیق عادل احمد عبد الموجود و علی محمد معوض، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن حنبل شیبانی، أبو عبد الله أحمد بن محمد، (۱۴۱۶ ق)، مسند الإمام أحمد بن حنبل، تحقیق أحمد محمد شاكر، قاهره، دار الحدیث.
- ابن خلدون، عبدالرحمان (۱۳۷۵ ش) مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، چ هشتم، تهران، علمی و فرهنگی.
- ابن سعد، محمد بن سعد، (۱۴۱۰ ق)، الطبقات الكبرى، تحقیق محمد عبدالقادر عطاء، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون - لبنان - بیروت.

- ابن سید الناس، أبو الفتح محمد، (۱۴۱۴ ق)، عیون الأثر فی فنون المغازی و الشمال و السیر، تعلیق ابراهیم محمد رمضان، بیروت، دار القلم.
- ابن عبدالبر، أبو عمر یوسف بن عبد الله، (۱۴۱۲ ق)، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت، دار الجیل.
- ابن کثیر الدمشقی، اسماعیل بن عمر، (۱۴۰۷ ق)، البداية و النهاية، بیروت، دار الفکر.
- ابن هشام، عبدالملک، (بی تا) السیرة النبویة، بیروت، دار المعرفة.
- ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، (۱۴۱۵ ق)، الأغانی، دار احیاء التراث العربی - لبنان - بیروت.
- احمدی میانجی، علی، (۱۴۱۹ ق)، مکاتیب الرسول صلی الله علیه و آله و سلم - ایران؛ قم.
- ازهری، محمد بن احمد، (۱۴۲۱ ق) تهذیب اللغة، دار احیاء التراث العربی - بیروت.
- انوری، حسن، (۱۳۸۱ ش)، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، انتشارات سخن.
- برنال، جان (۱۳۵۶ ش)، علم در تاریخ، ترجمه اسدپور پیرانفر، تهران، امیرکبیر.
- البلادی الحری، عاتق بن غیث، (۱۴۰۲ ق)، معجم المعالم الجغرافیة فی السیرة النبویة، الناشر: دار مکه للنشر و التوزیع، مکه المکرمة.
- بلاذری، أحمد بن یحیی بن جابر، (۱۴۱۷ ق)، کتاب جمل من انساب الأشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دار الفکر.
- بلاذری، احمد بن یحیی، (۱۴۱۷ ق)، أنساب الأشراف، بیروت، دار الفکر.
- بیهقی، ابو بکر احمد بن الحسین، (۱۴۰۵ ق)، دلائل النبوة و معرفة أحوال صاحب الشریعة، تحقیق عبد المعطی قلجی، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- ترمذی، محمد بن عیسی، (۱۳۹۵ ق) سنن الترمذی، تحقیق و تعلیق، و ابراهیم عطوة، شركة مكتبة و مطبعة مصطفى البابی الحلبي - مصر.
- تقی، سید محمد، (۱۳۷۶ ش)، ساختار اجتماعی و سیاسی نخستین حکومت اسلامی در مدینه، قم: انتشارات هجرت.
- جان احمدی، فاطمه (۱۳۹۲ ش)، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، معاونت پژوهشی دانشگاه معارف اسلامی، قم، دفتر نشر معارف، چاپ شانزدهم.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۵۹ ش)، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جمعی از نویسندگان، (۱۳۹۳ ش)، سبک و سیره اهل بیت (ع) در عرصه جامعه سازی، قم مجمع جهانی اهل بیت.
- جمعی از نویسندگان، (۱۳۸۲ ش)، تعالیم قرآنی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نمایندگی ولی فقیه، اداره آموزش های عقیدتی سیاسی - ایران - تهران.

- حموی، یاقوت بن عبدالله، (۱۹۹۵ م)، معجم البلدان، دار صادر، بیروت.
- حمید الله، محمد، (۱۳۷۷ ش)، نامه‌ها و پیمان‌های سیاسی حضرت محمد صلی الله علیه و آله و اسناد صدر اسلام، تهران، سروش، چاپ دوم.
- حمید الله، محمد، (۱۴۰۷ ق)، مجموعه الوثائق السياسية للعهد النبوي و الخلافة الراشدة، بیروت، دار النفائس..
- خمینی، روح‌الله، (۱۳۸۹ ش)، صحیفه امام، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- دلشاد تهرانی، مصطفی، (۱۳۸۵ ش)، سیره نبوی «منطق عملی»، تهران، دریا.
- دورانت، ویل و آریل، (۱۳۸۱ ش)، تاریخ تمدن، ترجمه پرویز مرزبان، ابوطالب صارمی، عبدالحسین شریفیان، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- دورانت، ویل (۱۳۶۸ ش)، درآمدی بر تاریخ تمدن، ترجمه احمد بطحایی و خشایار دیهیمی، تهران، سازمان انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
- دیار بکری، شیخ حسین، (بی‌تا)، تاریخ الخمیس فی أحوال أنفس النفیس، بیروت، دار الصادر.
- دیلمی، حسن بن محمد، (۱۴۱۲ ق)، إرشاد القلوب إلى الصواب، قم، الشریف الرضی.
- ذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد، (۱۴۱۳ ق)، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، تحقیق عمر عبد السلام تدمری، بیروت، دار الكتاب العربی.
- زبیر بن بکار، (۱۴۱۹ ق)، جمهرة نسب قریش و أخبارها، تحقیق محمود محمدشاکر، دار الیمامة، ریاض.
- زکلی، خیرالدین، (۱۹۸۹ م)، الأعلام قاموس تراجم لأشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین، بیروت، دار العلم للملایین.
- سعیدی، پرویز، (۱۳۸۲ ش)، «سازمان اداری و مالی در زمان رسول خدا (ص)»، فصلنامه حکومت اسلامی، سال هشتم، ش ۳۰.
- سمهودی، نورالدین علی بن احمد، (۲۰۰۶ م)، وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفی، بیروت، دار الکتب العلمیة..
- سنچولی، دوست‌علی، ابویسانی، ملیحه، (۱۳۹۸ ش)، نقش قدرت و اقتدار سیاسی حکومت‌های اسلامی در شکوفای تمدن نوین اسلامی، در مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی، تهران، آفتاب توسعه.
- سهیلی، عبد الرحمن، (۱۴۱۲ ق)، الروض الأنف فی شرح السیرة النبویة، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- شراب، محمد بن محمد حسن، (۱۴۱۱ ق)، المعالم الأثریة فی السنة والسیرة، دارالقلم، الدار الشامیة - دمشق - بیروت.
- صالحی، احمد العلی، (۱۳۸۱ ش)، دولت رسول خدا (ص) ترجمه هادی انصاری، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

- صالحی الشامی، محمد بن یوسف، (۱۴۱۴ ق)، سبل الهدی و الرشاد فی سیرة خیر العباد،، تحقیق عادل احمد عبد الموجود و علی محمد معوض، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- ضیایی، محدرضا، (۱۴۰۱)، جایگاه سیره اهل بیت در اندیشه و کلام حضرت امام (ره) و رهبری، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- طبری، محمد بن جریر، (۱۳۸۷ ش)، تاریخ الأمم و الملوک، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث.
- عامری، عماد الدین یحیی بن ابی بکر، (بی تا)، بهجة المحافل و بغیة الأمائل، بیروت، دار صادر.
- عماد الدین خلیل، (۱۴۲۵ ق)، دراسة فی السیرة، بیروت، دار النفاثین.
- عبدالمحمد، حسین، (۱۳۸۹) درآمدی بر سیره اهل بیت (ع)، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹ ق)، کتاب العین، نشر هجرت - قم..
- قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱ ش)، قاموس قرآن، دار الکتب الاسلامیه - تهران.
- قمی، عباس، (۱۴۱۴ ق)، سفینة البحار، قم، بی نا.
- کاشفی، محمدرضا (۱۳۸۹ ش)، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، چاپ سوم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص).
- کتانی، عبدالحی، (بی تا)، التراتیب الإدارية و العمالات و الصناعات و المتاجر و الحالة العلمیة آلتی كانت علی عهد تأسیس المدینة الإسلامیة فی المدینة المنورة العلمیة، تحقیق عبد الله الخالدي، دار الأرقم - بیروت.
- کرمی، احمد عجاج، (۱۴۲۷ ق)، الإدارة فی عصر الرسول (ص) قاهره، دار السلام.
- کلاعی، ابو الربیع حمیری، (۱۴۲۰ ق) الاكتفاء بما تضمنه من مغازی رسول الله (ص) و الثلاثة الخلفاء، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- مارسل بوازار، مترجم: محسن مؤیدی، (۱۳۵۸ ش)، اسلام و حقوق بشر، تهران، فرهنگ اسلامی.
- مبارکفوری، صفی الرحمان، (۱۳۸۲ ش)، باده ناب در سیره پیامبر خاتم؛ ترجمه محمد بهاء الدین حسینی، سندج: انتشارات کردستان.
- مرکز فرهنگ و معارف قرآن، (۱۳۸۲ ش) دایرة المعارف قرآن کریم، قم، بوستان کتاب
- مصعب بن عبد الله، (۱۹۹۹ م)، کتاب نسب قریش، تصحیح لوی - پرووانسال، اواریست، دار المعارف، قاهره، چاپ چهارم.
- معین، محمّد (۱۳۷۱ ش)، فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر.
- مقدسی، مطهر بن طاهر، (بی تا)، البدء و التاریخ، بور سعید، مکتبة الثقافة الدینیة.

- مقریزی، تقی‌الدین، (۱۴۲۰ ق)، إمتاع الأسماع بما للنبي من الأحوال و الأموال و الحفدة و المتاع، تحقیق محمد عبد الحمید النمیسى، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- نصیر الدین طوسی، محمد بن محمد (۱۴۱۳ ق)، اخلاق ناصری، علمیة اسلامیة، تهران.
- ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، (۱۴۱۰ ق)، مجموعة وزام - قم، مکتبه فقیه.
- ورکیانی، محمد ابراهیم، (۱۳۸۲ ش)، تاریخ اسلام از بعثت نبوی تا حکومت علوی، قم، دفتر نشر معارف.
- هاشمی خوبی، میرزا حبیب‌الله، (۱۴۰۰ ق)، منهاج البراعة في شرح نهج البلاغة، ترجمه حسن زاده آملی و محمدباقر کمره‌ای، تهران، مکتبه الاسلامیة.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی